

اغوا شدن با سخنان دلاویز

امروزه یکی از نشانه‌های موفقیت دنیوی این است که فرد هر آنچه را که می‌بیند و دوست دارد را به هر نحوی که شده به دست آورد. اما سوال اینجاست که ما به عنوان ایمانداران چگونه باید رفتار کنیم؟

کتاب مقدس در بخش‌های مختلف پاسخ این سوال را بیان می‌کند ولی در این مقاله برای دریافت پاسخ، نگاهی به رساله‌ی کولسیان می‌اندازیم.

در آن زمان کلیسای کولسی با دو مشکل بزرگ دست و پنجه نرم می‌کرد:

1- کسانی بودند که می‌گفتند جسم و روح نمی‌تواند با هم ادغام گردد و اعتقادشان این‌گونه بود که انسان به عنوان ماده، جدا از مسائل روحی و فراطبیعی است و این دو نمی‌توانند به یکدیگر بپیوندند. در نتیجه این موضوع که مسیح هم جسم داشت و هم الهیت را رد می‌کردند.

2- گروهی دیگر نیز در این کلیسا بودند که دانشمندان الاهیات آنها را **یهودیت پرست‌ها** می‌خوانند. آنها در کلیسای کولسیه رخنه کرده بودند و این‌گونه تعلیم می‌دادند که غیر یهودیان برای اینکه بتوانند به مسیح عیسی ایمان بیاورند در ابتدا باید سنت‌های یهود مثل ختنه را به انجام برسانند و پس از این قادر به اقرار خداوندی مسیح خواهند بود. رساله به غلاطیان بهترین کتاب برای مطالعه‌ی ایده‌های یهودیت پرست‌ها در کلیسا در عهد جدید می‌باشد.

به هر حال کلیسای کولسیه با این دو مشکل روبه‌رو شده بود و پولس رسول در رساله‌ی خود به آن کلیسا در حال حل این مشکلات و بیان حقیقت برای آنها بود. او از فرمولی برای حل این مشکلات استفاده می‌کند که در ارتباط با اتفاقاتی است که در پیدایش و باغ عدن رخ داده بود.

پولس در فصل 2 آیات 2 الی 4 این رساله این‌گونه بیان می‌کند:

تا دل‌های ایشان تسلی یابد و ایشان در محبت پیوند شده، به دولت یقین فهم تمام و به معرفت سرّ خدا برسند؛ یعنی سرّ مسیح که در وی تمامی خزاین حکمت و علم مخفی است. اما این را می‌گویم تا هیچ‌کس شما را به سخنان دلاویز اغوا نکند.

پولس رسول به آنها می‌گوید که شما به دنبال این می‌باشید تا حکمت و علم را از فلاسفه بیاموزید ولی آگاه نیستید که تمامی حکمت و علم در مسیح عیسی نهفته است و سپس می‌گوید که جذب سخنان دلاویز نشوید زیرا آنها باعث اغوای شما می‌گردد. او در آیه 8 این‌گونه می‌نویسد:

با خبر باشید کسی شما را نریاید به فلسفه و مکر باطل، بر حسب تقلید مردم و بر حسب اصول دنیوی نه بر حسب مسیح.

در زبان اصلی این آیه با "ببین و هشیار باش" آغاز می‌گردد که در فارسی به با خبر باش ترجمه گردیده است. این دو کلمه در زبان اصلی سبب می‌گردند تا ذهن مخاطب به کتاب پیدایش فصل 3 و مسائلی که در آن اتفاق افتاد سوق داده شود.

اغوا شدن در ابتدا لذت را به همراه خواهد آورد؛ اغوا کنایه از آن دارد که انسان در ابتدای انجام کاری این احساس را دارد که کارش درست است اما وقتی به پایان آن می‌رسد از انجام آن پشیمان می‌شود.

اغوا شدن از گوش دادن به سخنان دیگران آغاز می‌گردد و دقیقاً به همین دلیل است که پولس می‌گوید که کسی شما را به سخنان دل‌آویز اغوا نکند و این بدان معناست که **گوش نکن تا اغوا نشوی!**

در باغ عدن هم دقیقاً همین مسئله دیده می‌شود. در پیدایش فصل 3 آیات 4 الی 6 می‌بینیم که:

مار به زن گفت: هر آینه نخواهی مرد، بلکه خدا می‌داند در روزی که از آن بخورید، چشمان شما باز شود و مانند خدا عارف نیک و بد خواهید بود. و چون زن دید که آن درخت برای خوراک نیکوست و به نظر خوشنما و درختی دلپذیر و دانش افزا، پس از میوه‌اش گرفته، بخورد و به شوهر خود نیز داد و او خورد.

مسئله‌ی مهم در این فصل کتاب پیدایش این است که حوا به سخنان دلاویز مار (شیطان) که از حضور خداوند قاصر شده بود گوش کرد و اغوا شده و از میوه‌ی درخت معرفت نیک و بد خورد و به شوهرش هم داد و در نهایت این عمل او باعث شد که آنها دریابند که عریانند و همین باعث شرمندگی آنها در مقابل خداوند شد.

هرگاه انسانی با توجه به حرف‌های شیطان قدمی بردارد، بی‌شک شرمساری را برای خود به ارمغان می‌آورد. در این تصویر باید این را هم مد نظر داشت که **پید** به تنهایی برای حوا مشکلی ایجاد نکرد بلکه دیدن به همراه **طلبینی** که خارج از اراده خداوند بود شرمندگی را برای او به همراه آورد.

خداوند در فصل 2 کتاب پیدایش آیه 17 اینچنین می‌گوید:

اما از درخت معرفت نیک و بد زنهار نخوری، زیرا روزی که از آن خوردی، هر آینه خواهی مرد.

همان گونه که مشخص است خداوند به آدم و حوا می‌گوید چنین عملی را انجام ندهید ولی کمی جلوتر در فصل 3 مار به آنها می‌گوید این کار نیکوست پس آن را انجام دهید!

حوا در تصمیم‌گیری خود در یک دوراهی قرار گرفت و شیطان هم برای اینکه حرف خودش را عملی کند درخت را به نظر حوا خوش‌نما و زیبا جلوه داد و باعث شد حوا به گفته‌هایش اعتماد کند. نکته‌ای که باید به آن توجه نمود این است که شیطان برای رسیدن به اهدافش از مخلوقات خود خداوند استفاده می‌کند! بنابراین شیطان قادر به آفرینش نیست و از چیزهایی که خود خداوند خلق کرده، برای رسیدن به هدفش که اغوا کردن و گمراه ساختن انسانهاست استفاده می‌کند. شیطان برای رسیدن به هدفش معمولاً از این شگرد استفاده می‌کند؛ او آنچه که متعلق به شخص نیست را به گونه‌ای به او نشان می‌دهد که او را تحت تاثیر قرار دهد تا دیدگاهش را تغییر داده، به دنبال تصاحب آن برود. به این شکل فرد بر خلاف خواست خداوند عمل می‌کند.

به عنوان مثال یک زن زیبا به خودی خود در کتاب مقدس مشکلی ندارد. این اتفاق برای همه‌ی مردان افتاده است که زنی را ببینند و به نظرشان زیبا بیاید. تا اینجا هیچ مشکلی وجود ندارد بلکه مشکل از جایی آغاز می‌گردد که دید آن مرد کتاب مقدسی نباشد. مشکل زمانبست که مرد پس از دیدن یک زن زیبا که متعلق به او نیست، او را طلبیده و به دنبال ایجاد رابطه با او باشد. در این موقعیت مرد نه تنها زن زیبا را دیده بلکه او را برای خود طلبیده است و این یعنی بر خلاف خواست خداوند عمل نمودن که در نهایت برای فرد شرمساری را به همراه خواهد داشت. این موضوع همیشه و در همه‌ی موارد صدق می‌کند؛ هر آنچه به ما تعلق ندارد و ما آن را می‌طلبیم در واقع خلاف خواست خداوند قدم برداشته‌ایم و شرمندگی را برایمان به ارمغان خواهد آورد.

پولس رسول در رساله به کولسیان به دنبال این بود که دید مخاطبین خود را تغییر داده، به سمت صلیب عیسی مسیح بچرخاند. شایان ذکر است که بدانیم شخصی که به صلیب نگاه می‌کند لزوماً در تمام مقاطع زندگی، شاهد رخدادن اتفاقات خوب نخواهد بود. شیطان همیشه چیزهای خوب را اول نشان می‌دهد و در پایان بدترین‌ها را برای فرد به ارمغان می‌آورد، اما عیسی مسیح بدترین‌ها را اول و بهترین‌ها را در آخر می‌دهد.

به طور مثال وقتی به عروسی قانا در باب 2 انجیل یوحنا نگاهی می‌اندازیم در می‌یابیم که وقتی در جشن، شراب به پایان می‌رسد عیسی مسیح آب را به شراب تبدیل می‌کند و خدمتکاران آن را در بین مهمانان پخش می‌نماید و همه‌ی مهمانان پس از نوشیدن آن متوجه می‌شوند که بهترین شراب را نوشیده‌اند. در آیات 9 و 10 می‌بینیم که رئیس مجلس به این موضوع که بهترین شرابی است که آن را نوشیده است اعتراف می‌کند و می‌گوید:

هرکسی شراب خوب را اول می‌آورد و چون مست شدند، بدتر از آن. لیکن تو شراب خوب را تا حالا نگاه داشتی؟

عیسی مسیح همیشه همه چیز را به بهترین شکل پایان می‌بخشد ولی در نقطه‌ی مقابل، شیطان همیشه در ابتدا درب باغ سبز را نشان می‌دهد و وقتی فرد وارد آن شد با یک کویر روبه‌رو می‌گردد. وقتی فرد زنا می‌کند شیطان در ابتدا مشکلاتی که ممکن است به جهت ایجاد رابطه برایش به وجود آید را به فرد گوش زد نمی‌کند بلکه لذت حاصل از آن رابطه را در ذهن شخص پر رنگ می‌سازد و فرد پس از تن دادن به آن رابطه متوجه مشکلاتی که برایش به وجود آمده است می‌گردد.

مادامی که فرد با سپردن خود به شیطان پیش رود، بی شک در نهایت سرافکندگی، بدی و سختی در انتظارش خواهد بود ولی با اتکا و اعتماد به عیسی مسیح، در انتها آرامش، سربلندی و ملکوت او خواهد بود.

در کتاب پیدایش پس از این که آدم و حوا اغوا شدند و از میوهی درختی که خداوند آنها را منع نموده بود خوردند، به دلیل سرپیچی از فرمان خداوند از باغ اخراج شدند. حوا به حرفهای دلاویز کسی گوش داد که از جلال خداوند قاصر بود و در نتیجه آنها هم مانند او از جلال خداوند قاصر شدند و به جایی رفتند که شیطان قبلاً رفته بود. در فصل 3 آیه 24 خداوند آنها را از درب شرقی باغ بیرون می‌کند.

نکته‌ی بسیار جالب و کلیدی این است که آدم و حوا از درب شرقی باغ بیرون شدند و کمی جلوتر در پیدایش فصل 13 آیه 10 که لوط هم مثل حوا **چشمان خود را برافراشت و دید**، پس از طلبیدن مسائل زمینی به طرف شرق کوچ کرد و از خداوند و ابراهیم دور شد.

انسان با انجام کارهایی که خارج از اراده‌ی خداوند است در حال دور شدن از او است و این یعنی انسان با انجام هر گناه یک قدم از حضور خداوند دورتر می‌شود.

درست در 2017 سال پیش خداوند در زمان مقرر، به یگانه فرزند خود لباس جسم پوشانید و او را به خاطر گناهان ما بر روی صلیب فرستاد. کلام خداوند می‌گوید: "هر که به صلیب خداوند عیسی مسیح نگاه کند و به او ایمان آورد، نجات خواهد یافت"

اتفاقی که می‌افتد این است که وقتی به صلیب عیسی مسیح نگاه کنیم، به سوی درب غربی باغ عدن به راه می‌افتیم و چون دید ما تغییر کرده، به صورت ناخودآگاه مسیر زندگیمان نیز تغییر می‌کند و دیگر چیزهایی که خارج از اراده‌ی خداوند باشد را نمی‌طلبیم.

در کتاب مقدس بارها به موضوع بسیار مهم **دیدن و طلبیدن آنچه در اراده‌ی خداوند است** تاکید شده؛ به عنوان نمونه در انجیل متی باب 6 آیه 33 این فرمول به ما داده شده است که:

لیکن اول ملکوت خدا و عدالت او را بطلبید که این همه برای شما مزید خواهد شد

نگاه کردن به خداوند و طلب نمودن هر آنچه در اراده‌ی اوست باید اولین الویت زندگی هر ایماندار باشد. اگر شخصی اینگونه زندگی کند، بی‌شک همان گونه که مسیح قول داده است مسائل زمینی را برای او فراهم خواهد کرد.

دنیا و سخنان دلاویز باعث می‌گردد تا نسبت به طلبیدن آنچه متعلق به ما نیست اغوا شویم و به همین دلیل است که پولس رسول در رساله‌ی یه کولسیان باب 2 آیه 8 اینچنین می‌گوید:

با خبر باشید که کسی شما را نرباید به فلسفه و مکر باطل،

بر حسب تقلید مردم و بر حسب اصول دنیوی نه بر حسب مسیح

احکام، فلسفه و نگاه کردن به خودی خود مشکلی ندارند. اینها زمانی مشکل‌ساز می‌شوند که خارج از خواست مسیح باشند و پیامدی که همیشه به دنبال دارند، شرمساری و سرافکندگی است. دیدگاه ما باید نسبت به دنیا تغییر کند و اگر این مهم به انجام برسد، نه تنها خلاف خواست خداوند عمل نمی‌کنیم بلکه موجب پیشبرد اراده‌ی خداوند در این دنیا نیز می‌شویم.

شخصی را تصور کنید که الماسی به قیمت کل دنیا در دست دارد. این فرد هر چه بخواهد می‌تواند از طریق این الماس بدست آورد، در واقع او می‌تواند آن الماس را بدهد و در عوض تمام دنیا را برای خود بگیرد. فردی که خداوند عیسی مسیح و کلام او را دارد درست همچون شخصی است که الماسی به ارزش تمام دنیا در دست دارد. خداوند از آن الماس گرانبها استفاده می‌کند تا نیازهای فرد را بر طرف سازد. پولس رسول هم به همین خاطر است که در 2: 10 رساله‌ی کولسیان می‌گوید:

و شما در وی تکمیل شده‌اید که سر تمامی ریاسات و قدرت است

پولس رسول در نهایت در آیه 13 همان فصل اینچنین می‌گوید:

و شما را که در خطایا و نامختونی جسم خود مرده بودید، با او زنده گردانید چونکه همه‌ی خطایای شما را آمرزید.

عیسی مسیح تمامی خطایای ما را جمع نمود و بر صلیب خود میخکوب نمود و محو ساخت. اگر انجیل را شناخته باشیم و آنچه در بالاست را بطلبیم، مسائل زمینی به صورت خودکار مزید می‌گردند و در نهایت روزی فرا می‌رسد که خداوند را رو در رو خواهیم دید.

بنابراین امروز هر یک از ما به عنوان ایمانداران به عیسی مسیح باید بکوشیم و به دنبال انجام اراده‌ی او و همچنین پیشبرد اهداف خداوند بر روی زمین باشیم و با تکیه بر صلیب عیسی مسیح از اغوا شدن به واسطه‌ی سخنان دلاویز دوری نماییم.

آمین

انستیتو کتاب مقدس پارسیان pbi.life